

۱- قَالَ السَّجَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَقْبَلُ عَمَلٌ مَعَ تَقْوَى^۱

امام سجاد علیه السلام فرمود: کاری که با تقوا همراه باشد اندک نیست. در تمدن الهی، کمیت، در درجه اول اهمیت قرار ندارد، بلکه کیفیت عمل، مهم‌تر از کمیت آن است. در تمدن مادی، همه چیز بر مدار کمیت است. در این تمدن، ریاضیات و حساب و کتاب در رأس همه علوم است؛ هرچه عدد چیزی بیشتر باشد، بیشتر مورد قبول می‌افتد. اما در تمدن الهی، چنانچه مشخص شد، ممکن است عملی از جهت کمی، کوچک باشد، اما کیفیت آن بالا باشد؛ چنین عملی مقبول درگاه حق است و از عمل زیادی که کیفیت آن، پایین باشد بهتر است.

کیفیت عمل به چیست؟ چه چیزی کیفیت عمل را بالا می‌برد و مورد قبول واقع می‌کند؟ جواب: نیت. نیت عمل، از خود عمل مهمتر است. امام سجاد علیه السلام درباره اهمیت نیت می‌فرمایند: «لَا عَمَلَ إِلَّا بِالنِّيَّةِ» بدون نیت، عملی وجود ندارد؛ یعنی عملی که انجام می‌شود، اگر نیت الهی بر آن نباشد، هیچ ارزشی ندارد و کأن لم یکن محسوب می‌شود.

عملی که نیت الهی در آن است، عمل همراه با تقواست و از انسان پذیرفته است؛ «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» چنین عملی در نزد خداوند، کم و قلیل محسوب نمی‌شود، اگرچه کمیت آن پایین باشد.

۲- قِيلَ «لِلسَّجَادِ» عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ خَطْرًا، قَالَ: مَنْ لَمْ يَرَى الدُّنْيَا خَطْرًا لِنَفْسِهِ.^۲

به امام سجاد علیه السلام گفتند مهمترین مردم کیست؟ فرمود: آنکه دنیا را مایه ارزش خود نداند. حقیقت انسان، مادی نیست، بلکه چند صباحی در این عالم خاکی میهمان است و سپس باید به جایگاه اصلی خویش سفر کند؛ «مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک / چند روزی قفسی ساخته اند از بدنم» بدن انسان،

^۱ تحف العقول، ص ۳۱۸.

^۲ کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۰۷.

از عالم خاک است و حقیقت او را تشکیل نمی‌دهد، بلکه این، روح و جان انسان است که به او ارزش می‌دهد؛ «تن آدمی شریف است به جان آدمیت / نه همین لباس زیباست نشان آدمیت» روح انسان، از عالم لاهوت است؛ «و نفختُ فیه من روحی» (ص / ۷۲) پایین‌ترین مراتب نظام خلقت، عالم ناسوت یا عالم طبیعت است. روح، چون از عوالم بالاست، شرافتش از دنیا بالاتر است و چون حقیقت آدمی به روح اوست، ارزش انسان از ارزش دنیا بالاتر است.

قرآن کریم دربارهٔ کسانی که ظاهر بین هستند می‌فرماید: «یعلمون ظاهراً من الحیاء الدنیا و هم عن الآخرة هم غافلون» (روم / ۷) اینها ظاهری جذاب از زندگی دنیا می‌بینند و منتهای زیبایی را در اینجا تصور می‌کنند و حال آن که اصل زیبایی‌ها در آخرت است؛ لذتهایی در آخرت وجود دارد که هیچ چشمی آنها را ندیده و هیچ گوشی وصف آن را نشنیده و تاکنون به ذهن هیچ بشری خطور نکرده است؛ «ما لا عین رأت و لا أذن سمعت و لا خطر علی قلب بشر»^۳ اما ظاهر بینان، ارزش انسان را به دنیا و زیورات آن می‌دانند و گمان می‌کنند هرچقدر تجمل و زینت انسان بیشتر باشد، ارزش او بیشتر است. قارون چنین بود. خداوند دربارهٔ قارون می‌فرماید: «فخرج علی قومه فی زینته» (قصص / ۷۹) او در حالی که غرق در زیورات خود بود در برابر قومش ظاهر شد. گمان او این بود که ارزش او به این زیورهاست. کسانی که ظواهر زندگی مادی را می‌دیدند و خواهان آن بودند به حال قارون غبطه می‌خوردند: «قال الذین یریدون الحیاء الدنیا یا لیت لنا مثل ما أوتی قارون؛ إنه لدو حظاً عظیماً» (قصص / ۷۹) آنها می‌گفتند کاش مثل آن چیزی که به قارون داده شده به ما داده می‌شد؛ او دارای بهرهٔ زیادی از ثروت است. سرانجام نیز آنچه که او می‌پنداشت موجب ارزشمندی اوست به داد او نرسید و او با خانهٔ خود در زمین فرو رفت. «فَحَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ» (قصص / ۸۱)